

پژوهش‌نامه نقد و هابیت؛ سراج منیر ♦ سال یازدهم ♦ شماره ۴۱ ♦ بهار ۱۴۰۰  
صفحات: ۱۱۱-۸۹ ♦ تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۵ ♦ تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۲/۱۲



## مقایسه خوانش سلف و وهابیت در مسئله

### مفهوم ایمان

محمد علیدوست\*

سید حسن آل‌مجدد شیرازی\*\*

#### چکیده

بین سلف در مسئله مفهوم ایمان با وجود ادعای وهابیت، دیدگاه واحدی وجود ندارد. وهابیت در مفهوم ایمان، هرچند یک تعریف را ارائه می‌دهند؛ اما زمانی که به تحلیل تعریف پرداخته می‌شود در میان آنان اختلافات شدیدی به چشم می‌خورد. آنها ایمان را قول، اعتقاد و عمل می‌دانند و این تنها یکی از نظراتی است که سلف، ارائه کرده است. با بررسی‌های انجام‌شده کشف می‌شود وهابی‌ها نه تنها در این موضوع با سلف همراهی کامل ندارند؛ بلکه در میان خودشان تفاسیر و تحلیل‌های متفاوتی وجود دارد و همین امر موجب می‌شود عملکردهای متفاوتی از ایشان صادر شود.

**کلیدواژه‌ها:** مفهوم الایمان بین السلف و الوهابیة، اختلافات وهابیان در مفهوم ایمان، دیدگاه سلف در مفهوم ایمان.

---

\* فارغ‌التحصیل سطح سه مؤسسه امام صادق علیه السلام و دانش‌پژوه مؤسسه دارالاعلام لمدرسة اهل البيت علیهم السلام.

m.alidoost1370@gmail.com

\*\* استاد حوزه علمیه قم و عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی

## مقدمه

مفهوم ایمان از مسائل تاریخ‌مند جهان اسلام محسوب می‌شود. این موضوع را می‌توان در پرسش‌هایی که از پیامبر ﷺ شده به دست آورد.<sup>۱</sup>

استفاده از نام سلف، یکی از روش‌هایی است که وهابیت برای القای دیدگاه مدّ نظر خود، از آن بهره می‌برد. مفهوم ایمان، جزو مسائلی است که وهابی‌ها مطرح کرده و نظر غیر را تخطئه می‌کنند. نوشتار پیش رو در صدد ارائه دیدگاه سلف و وهابی‌ها در مفهوم ایمان و بیان اختلاف‌های بین آنها و نقد دیدگاه وهابیت در این مسئله است.

یکی از روش‌های کاربردی برای مقابله با جریان وهابیت، مقایسه بین عقاید آنان و پندارهای سلف است. با توجه به اینکه اگر نظر هر یک در کنار همدیگر مطرح شود، تقابل میان این دو گروه در موارد متعددی برای خواننده، ملموس می‌گردد و در نتیجه از تأثیر ویژه‌ای برخوردار خواهد بود. با عنایت به این مطلب، ضرورت شکل‌گیری این نوع از نوشتار، بیش از پیش احساس می‌شود.

تاکنون درباره مفهوم ایمان، آثار متعددی نوشته شده است؛ اما با بررسی نگارنده، به شکل مقایسه‌ای، کتاب الایمان بین السلف و المتکلمین تألیف احمد بن عطیه بن علی الغامدی، تألیف شده است. در این کتاب به مقایسه نظر سلف و گروه‌های کلامی پرداخته شده است. دیگر تألیفی که در این باره وجود دارد، کتابچه‌ای به نام معنای ایمان بین السلف و الخلف (مؤلف: بی‌نام)، تألیف شده که به صورت مختصر و کلیت خلف را مدنظر داشته و صرف مفهوم ایمان از منظر وهابیت را بررسی نکرده است.

در مقاله حاضر، ابتدا مقصود از سلف در لغت و اصطلاح بیان می‌شود. در مرحله بعد، معنای ایمان در لغت بررسی شده و پس از آن، دیدگاه‌ها و تعاریفی که سلف درباره مفهوم ایمان، ارائه داده‌اند به صورت تفکیکی، بیان شده است؛ سپس نظر برخی از مطرح‌ترین علمای وهابی در این موضوع نقل و پس از آن، اختلافات حاکم در میان وهابیان، در این موضوع روشن و در مرحله پایانی با توجه به این اختلافات، دیدگاه وهابیان نقد شده است.

۱. نک: نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، کتاب الایمان، باب معرفة الایمان و الاسلام و القدر و علامة الساعة، ج ۱، ص ۳۶، ح ۱.

## سلف در لغت و اصطلاح

جوهری، سلف را به معنای «گذشتگان» می‌داند.<sup>۱</sup> زبیدی نیز همچون جوهری سلف را به معنای گذشته می‌داند.<sup>۲</sup> در تعریف اصطلاحی سلف چند نظریه وجود دارد.

### نظریه نخست

در اندیشه این گروه، فقط صحابه سلف محسوب می‌شوند. اوزاعی معتقد است تنها راه نجات، تمسک و پیروی از صحابه است. او حتی تابعین را برای پیروی کردن مناسب نمی‌داند و به همین دلیل در اختلافات، صحابه را مرجع معرفی می‌کند.<sup>۳</sup> از نظر عبدالله بن مبارک، تنها کسانی که با پیامبر اکرم ﷺ مصاحبت داشته‌اند، سلف محسوب می‌شوند.<sup>۴</sup> شافعی نیز همچون عبدالله بن مبارک سلف را تعریف می‌کند.<sup>۵</sup> بشر بن الحارث معروف به الحافی نیز در این دسته جای دارد.<sup>۶</sup> ابوالحسن اشعری از دیگر افراد این گروه است. او همچون عبدالله بن مبارک و شافعی در این باره می‌نویسد: ما متدین به حبّ سلف هستیم. افرادی که خداوند متعال برای مصاحبت با رسولش انتخاب کرده است.<sup>۷</sup>

### نظریه دوم

این دسته از علما قائل اند که سلف به صحابه و تابعین اطلاق می‌شود. غزالی، سلف را در صحابه و تابعین خلاصه می‌کند.<sup>۸</sup> بدرالدین عینی می‌گوید: «مراد از سلف، صحابه و تابعین و ابوحنیفه می‌باشد.»<sup>۹</sup> برخی شروع سلف را از زمان ابوحنیفه

۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، ج ۴، ص ۱۳۷۶.

۲. نک: زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۲۳، ص ۴۵۵.

۳. نک: آل حمدان، عادل بن عبدالله، الجامع فی عقائد و رسائل اهل السنة و الاثر، ص ۱۰۵-۱۰۴.

۴. همان، ص ۱۹۷.

۵. همان، ص ۲۴۳.

۶. همان، ص ۲۷۸.

۷. اشعری، ابوالحسن، الإبانة عن أصول الديانة، ص ۲۸.

۸. غزالی، ابی‌حامد، الجام العوام عن علم الکلام، ص ۴۹.

۹. بدرالدین، العینی، البناية شرح الهداية، ج ۹، ص ۱۵۰.

(سال ۸۰-۱۵۰ ق) و پایان آن را زمان محمد بن حسن شیبانی (سال ۱۳۱-۱۸۹ ق) می‌دانند.<sup>۱</sup>

### نظریه سوم

برخی از علما قائل اند که سلف به صحابه و تابعین و تابع تابعین اطلاق می‌شود. ابن تیمیه با عبارات مختلف به مخاطب می‌فهماند که سلف در سه قرن نخست، منحصر می‌شود. او می‌نویسد:

از امور معلوم، آن است که بهترین قرون این امت \_ در اعمال و اقوال و اعتقادات و ... \_ قرن نخست اسلام و افرادی که بعد این قرن هستند و افراد قرن بعدش می‌باشد. این (سه گروه) در علم، عمل، ایمان، عقل، دین، بیان و عبادت، افضل از گروه‌هایی هستند که بعد از آنها پیدا می‌شوند.<sup>۲</sup>

وی در جایی دیگر نیز به این امر تصریح می‌کند. او می‌نویسد: «مذهب اهل حدیث و اینان سلف از سه قرن نخست هستند.»<sup>۳</sup>

ابن قیم در فصلی که برای جواز فتوا بر اساس آثار سلف نگاشته، سلف را در حوزه صحابه و تابعین و تابع تابعین معرفی می‌کند. او می‌نویسد: «به سبب قرب زمانی که میان این سه گروه با پیامبر ﷺ بوده است، اخذ آرا و نظرات این گروه‌ها بهتر از نظرات افرادی است که بعد از آنها می‌باشند.»<sup>۴</sup>

ابن رجب حنبلی نیز سلف را تا انتهای قرن سوم معرفی می‌کند.<sup>۵</sup> محمد الخمیس هم سلف را در سه قرن نخست محصور می‌داند و ائمه اربعه اهل سنت را به عنوان سلف معرفی می‌کند.<sup>۶</sup> دکتر علی عبدالحلیم محمود نیز در این گروه جای دارد.<sup>۷</sup>

۱. أبوالبقاء الحنفی، الکلیات معجم فی المصطلحات والفروق اللغویة، ص ۵۱.
۲. ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوی، ج ۴، ص ۹۶.
۳. همان، ج ۶، ص ۳۵۵.
۴. ابن قیم، جوزیه، إعلام الموقعین عن رب العالمین، ج ۴، ص ۹۰.
۵. ابن رجب حنبلی، عبدالرحمن بن احمد، فضل العلم السلف علی الخلف، ص ۶.
۶. نک: محمد بن عبدالرحمن الخمیس، حوار مع الاشعری، ص ۴.
۷. نک: علی عبدالحلیم محمود، السلفية و دعوة الشيخ محمد بن عبدالوهاب، ص ۱۰-۹.

## نظریه چهارم

محمد منیر عبده دمشقی معتقد است که سلف تا قرن چهارم ادامه داشته است. برای تعریف سلف چنین می‌نگارد: «مراد از سلف، صحابه و اعیان علما تابعین و اتباع تابعین و اتباع اتباع است.»<sup>۱</sup>

## نظریه پنجم

برخی قائل اند که سلف تا قبل قرن ۵ هجری ادامه دارد و پس از آن، دوره خلف شروع می‌شود. علامه بیجوری در تعریف سلف می‌نویسد: «سلف افرادی هستند که تا قبل از قرن ۵ هجری بودند؛ البته عده‌ای سلف را تا قرن ۳ هجری می‌دانند.»<sup>۲</sup>

## نظریه ششم

نوعی از سلف، سلف منهجی هستند. این دسته از افراد، هرچند در سه قرن نخست زندگی نمی‌کردند و آن دوران را درک نکرده‌اند؛ اما با توجه به اینکه، اندیشه و عملکرد آنها همانند صحابه و تابعین و تابع تابعین است؛ همانند سلف و هم حکم با آنها می‌باشند.<sup>۳</sup>

## ایمان در لغت

با مراجعه به آثار لغویان، روشن می‌شود که ایمان به معنای تصدیق است. جوهری<sup>۴</sup> و دیگر لغویان به این معنا تصریح کرده‌اند. زبیدی<sup>۵</sup> و ابن منظور<sup>۶</sup> بر این معنا ادعای اجماع کرده‌اند.

## ماهیت ایمان از منظر سلف

بر اساس بررسی آثار سلف، تمامی سلف در موضوع ایمان، یکنواخت نمی‌اندیشیدند؛ بلکه نظرات مختلفی داشتند. می‌توان از کلمات سلف ۲ دیدگاه عمده را استخراج کرد.

۱. دمشقی، محمد منیر، نموذج من الأعمال الخيرية في إدارة الطباغة المنيرية، ص ۱۱.
۲. بیجوری، ابراهیم بن محمد، تحفة المرید علی جوهره التوحید، ص ۱۵۶.
۳. الدمیجی، عبدالله بن عمر، فهم السلف الصالح للنصوص الشرعية، ص ۱۸-۲۲.
۴. نک: جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، ج ۵، ص ۲۰۷۱.
۵. زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۳۴، ص ۱۸۶.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۳.

۱. ایمان، قول و عمل است.
۲. ایمان، صرف اقرار و تصدیق است.

### دیدگاه نخست

بخاری، ابوزرعه، ابوحاتم، سفیان بن عیینه، مالک بن انس و احمد بن حنبل معتقدند که ایمان عبارت است از قول و عمل. عبدالرحمن بن عمرو الاوزاعی (متوفی ۱۵۷ق) معتقد است ایمان متشکل از قول و عمل و نیت می‌باشد.<sup>۱</sup>

سفیان ثوری (متوفی ۱۶۱ق) قائل بود که ایمان، قول و عمل و نیت و موافقت با سنت است. شعیب بن حرب (متوفی ۱۹۶ق) می‌گوید: «به سفیان گفتم حدیثی از سنت برای من بگو که خداوند به واسطه آن به من نفع برساند و زمانی که در محضر خداوند حاضر شدم و از من درباره آن پرسید که از کجا اخذ کرده‌ای، بگویم: این حدیث را سفیان ثوری برای من نقل کرد.»

سفیان می‌گوید:

... ایمان عبارت است از قول، عمل و نیت، زیاد می‌شود و ناقص می‌گردد. با طاعت الهی زیاد و با معصیت کم می‌شود. جایز نیست قول، مگر با عمل و جایز نیست قول و عمل، مگر با نیت و جایز نیست قول و عمل و نیت، مگر با مطابقت با سنت.<sup>۲</sup>

مالک بن انس (متوفی ۱۷۹ق) نیز ایمان را مرکب از معرفت، اقرار و عمل می‌داند.<sup>۳</sup> یوسف بن اسباط (متوفی ۱۹۵ق) نیز ایمان را متشکل از قول و عمل می‌داند.<sup>۴</sup> سفیان بن عیینه (متوفی ۱۹۸ق) در شمار سنت به بحث ایمان می‌رسد و می‌گوید: ایمان عبارت است از قول و عمل.<sup>۵</sup> شافعی (متوفی ۲۰۴ق) معتقد است که ایمان، متشکل از قول، عمل و نیت است و هیچ‌کدام به تنهایی در ایمان، کافی نیست و زمانی ایمان شکل می‌گیرد که هر سه

۱. نک: آل حمدان، عادل بن عبدالله، الجامع فی عقائد و رسائل اهل السنة و الاثر، ص ۱۰۱.

۲. لالکائی، هبة الله، شرح اصول اعتقاد اهل السنة و الجماعة، ج ۱، ص ۱۴۵.

۳. نک: آل حمدان، عادل بن عبدالله، الجامع فی عقائد و رسائل اهل السنة و الاثر، ص ۱۷۸.

۴. آل حمدان، عادل بن عبدالله، الجامع فی عقائد و رسائل اهل السنة و الاثر، ص ۲۲۰.

۵. همان، ص ۱۴۷.

باهم باشند.<sup>۱</sup> حمیدی (متوفی ۲۱۹ق) نیز در این دسته، جای دارد. وی در تعریف ایمان می‌نویسد: «ایمان، قول و عمل است. قابل زیاد و ناقص شدن می‌باشد. قول بدون عمل نافع نیست و عمل و قول بدون نیت، نفعی ندارد و قول و عمل و نیت بدون (مطابقت با) سنت سودی ندارد.»<sup>۲</sup>

احمد بن حنبل (متوفی ۲۴۱ق) درباره ایمان می‌نویسد: ایمان عبارت است از قول و عمل.<sup>۳</sup>

به نقل از بخاری (متوفی ۲۵۶ق) آمده است: بیش از هزار عالم از اهالی حجاز، مکه، مدینه، کوفه، بصره، واسط، بغداد، شام و مصر را دیدم. همگی معتقد بودند که دین (ایمان) قول و عمل است و هیچ‌یک از آنها در این موضوع اختلاف نداشته‌اند.<sup>۴</sup>

ابن ابی حاتم (متوفی ۳۲۷ق) می‌گوید:

از پدرم (متوفی ۲۷۷ق) و ابوزرعه (متوفی ۲۶۴) درباره مذاهب اهل سنت در اصول اعتقادات پرسیدم و اینکه سایر علما در دیگر ممالک اسلامی چه نظریه‌ای دارند؟ آن دو در پاسخ گفتند: علما را در حجاز، عراق، شام و یمن درک کردیم. همگی معتقد بودند که ایمان، قول و عمل است که زیاد و ناقص می‌شود.<sup>۵</sup>

آجری (متوفی ۳۶۰ق) در این باره می‌نویسد:

ایمانی که بر تمام مردم واجب است، عبارت است از تصدیق به قلب و اقرار به زبان و عمل به اعضا. معرفت و تصدیق به قلب، بدون اقرار به زبان فایده‌ای ندارد و معرفت و تصدیق به همراه اقرار به زبان فاقد دستاورد است؛ مگر آنکه با عمل جوارح همراه باشد. زمانی که این سه تکمیل شد، ایمانی که قرآن و سنت بر آن دلالت می‌کنند محقق شده است.<sup>۶</sup>

۱. همان، ج ۵، ص ۷۵۴. «عادل بن عبدالله آل حمدان می‌نویسد: شافعی ایمان را متشکل از قول و عمل می‌داند». (نک: آل حمدان، عادل بن عبدالله، الجامع فی عقائد و رسائل اهل السنة و الاثر، ص ۲۴۳).

۲. الحمیدی، عبدالله بن الزبیر، اصول السنة، ص ۳؛ نک: آل حمدان، عادل بن عبدالله، الجامع فی عقائد و رسائل اهل السنة و الاثر، ص ۲۶۹.

۳. شیبانی، ابن حنبل، احمد، أصول السنة، ص ۳۴؛ ابوبکر الخلال، السنة، ج ۲، ص ۵۸۲.

۴. لالکائی، هبة الله، شرح اصول اعتقاد اهل السنة و الجماعة، ج ۱، ص ۱۶۳-۱۶۲.

۵. همان، ص ۱۶۵.

۶. آجری، محمد، الشریعة، ج ۲، ص ۶۱۱.

## دیدگاه دوم

در مقابل گروه فوق، طیفی از علما هستند که ایمان را اقرار و تصدیق می‌دانند. ضحاک بن مزاحم (متوفی ۱۰۵) ایمان را منحصر در ایمان به خدا، قیامت، ملائکه، کتاب، انبیاء، اقرار به آنچه از جانب خداوند نازل گشته و تسلیم در برابر قضا و رضایت داشتن به قدر می‌داند.<sup>۱</sup> او اعمال را برای رسیدن به کمال ایمان، شرط می‌داند. به این معنا که اگر اعمال وجود داشته باشد، کمال ایمان نیز وجود دارد؛ اما چنانچه اعمال وجود نداشته باشند به این معنا نیست که اصل ایمان نیز وجود ندارد؛ بلکه بدان معناست که ایمان کامل وجود ندارد.<sup>۲</sup>

حماد بن ابی سلیمان (متوفی ۱۲۰)<sup>۳</sup> از افرادی است که ایمان را در اقرار به زبان و یقین (معرفت) قلبی منحصر می‌داند. از نظر وی عمل خارج از مفهوم ایمان است. ذهبی در ترجمه حماد به این نکته اشاره دارد. وی می‌نویسد: «حماد از افرادی بود که نماز و زکات را جزو ایمان نمی‌دانست و معتقد بود ایمان اقرار زبانی و یقین قلبی است.»<sup>۴</sup> عقیده فوق را به طلق بن حبيب (متوفی قبل سنه ۱۰۰) نیز نسبت داده‌اند.<sup>۵</sup> ابوحنیفه (متوفی ۱۵۰) که از بزرگان سلف محسوب می‌شود<sup>۶</sup> و مذهبش در جهان پیروان زیادی را به خود اختصاص داده است؛ چنین اظهار نظر می‌کند: ایمان همان اقرار و تصدیق است.<sup>۷</sup> وی عنوان می‌کند که ایمان اقرار به زبان، تصدیق و معرفت به قلب است. اقرار به تنهایی ایمان نیست؛ زیرا اگر چنین بود، تمام منافقان، مؤمن محسوب می‌شدند.

۱. آل حمدان، عادل بن عبدالله، الجامع فی عقائد و رسائل اهل السنة و الاثر، ص ۷۷.

۲. «مؤلف کتاب بیان می‌کند در اندیشه ضحاک بن مزاحم، عمل جزو ایمان محسوب می‌شود و او در صدر رد کردن مرجئه می‌باشد؛ درحالی که با این توضیح، مشخص می‌شود پندار مؤلف کتاب امری نادرست است.» (نک: همان، ص ۷۴).

۳. مزی، یوسف بن عبدالرحمن، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، ج ۱۴، ص ۲۹۹.

۴. ذهبی، شمس الدین، سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۵۲۹.

۵. مزی، یوسف بن عبدالرحمن، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، ج ۱۳، ص ۴۵۲.

۶. برای آگاهی از عظمت و بزرگی ابوحنیفه در نزد اهل سنت مراجعه شود به: (احمد التهانوی، قواعد فی علوم الحدیث، ص ۳۸۸-۳۰۵؛ سیوطی، جلال الدین، تبیض الصحیفه بمناقب ابی حنیفه هبتمی، ابن حجر، الخیرات الحسان فی مناقب الامام الاعظم ابی حنیفه النعمان).

۷. ابن ثابت، النعمان، الفقه الأكبر، ص ۵۵.



همچنین معرفت به تنهایی ایمان تلقی نمی‌شود؛ زیرا در این صورت اهل کتاب هم مؤمن می‌باشند. ایمان، قابل زیاده و نقصان نیست. تصور نقصان ایمان در صورتی صحیح است که کفر زیاد شود و تصور زیادت ایمان در صورت نقصان کفر صحیح است؛ بنابراین چگونه ممکن است شخصی در زمان واحد، هم کافر باشد و هم مؤمن!

عمل غیر از ایمان و ایمان غیر از عمل است؛ زیرا در بسیاری از موارد، عمل از شخص مرتفع می‌شود؛ اما نمی‌توان گفت ایمان هم از او برداشته شد؛ بلکه در عین حال که عملی ندارد و انجام نمی‌دهد؛ اما مؤمن محسوب می‌شود؛ مثلی زن حائضی که نماز و روزه از او مرتفع می‌شود. همچنین فقیری که پرداخت زکات بر او لازم نمی‌شود؛ در حالی که عمل را انجام نمی‌دهد؛ اما در شمار مؤمنین است.<sup>۱</sup> به پیروی از ابوحنیفه ابی یوسف و محمد بن الحسن نیز همین عقیده را برگزیده‌اند.<sup>۲</sup>

ابوبکر بن ابی‌شیبه (متوفی ۲۳۵ق) حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کند که صراحت در این دیدگاه دارد. او از انس بن مالک (متوفی ۹۳ق) از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که حضرت فرمودند: اسلام در علانیه (آشکارا و ظاهر) و ایمان در قلب است.<sup>۳</sup>

عبدالله بن سعید قطان (متوفی ۲۴۰ق) می‌گوید: ایمان عبارت است از اقرار (به زبان) به شرط (وجود) معرفت قلبی.<sup>۴</sup> مسلم نیشابوری (متوفی ۲۶۱ق) در کتاب صحیح مسلم، برای شناخت اسلام و ایمان و قدر و نشانه‌های آخرالزمان، حدیثی را از پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کند که از آن استنباط می‌شود؛ اسلام به اعمال ظاهری و ایمان به اعمال باطنی اطلاق می‌شود.

### عمر بن خطاب می‌گوید:

روزی نزد پیامبر ﷺ بودیم که مردی آمد و به حضرت عرض کرد: مرا از اسلام خبر بده. پیامبر ﷺ فرمودند: اسلام آن است که شهادت دهی لا اله الا الله و محمد رسول الله و نماز بخوانی و زکات را پرداخت نمایی و روزه ماه رمضان را

۱. وصیة الامام الاعظم ابی‌حنیفه، ص ۱۴.

۲. آل‌الشیخ، صالح بن عبدالعزیز، إتحاف السائل بما فی الطحاویة من مسائل، ص ۶.

۳. ابن ابی‌شیبه، ابوبکر، کتاب الإیمان، ص ۱۸، ۶؛ شبیبانی، احمد بن حنبل، مسند، ج ۱۹، ص ۳۷۴، ح ۱۲۳۸۱.

۴. الصابونی، احمد بن محمد بن ابی‌بکر، الکفایة فی الهدایة، ص ۳۵۲.

بگیری و حج خانه خدا را در صورت امکان انجام دهی. آن مرد گفت: راست گفתי. عمر می‌گوید: ما تعجب کردیم که از او سؤال می‌کند و او را تصدیق می‌کند؛ سپس آن مرد عرض کرد: از ایمان برای من خبر بده. پیامبر ﷺ فرمود: ایمان آن است که به الله و ملائک و کتب آسمانی و رسولان ﷺ و قیامت و قدر، ایمان داشته باشی.<sup>۱</sup>

پیامبر ﷺ در این کلام، اسلام و ایمان را به مصادیقشان تعریف کردند و از مصادیق به حیطة مربوطه پی می‌بریم. علاوه بر این مطلب، چون پیامبر ﷺ در مقام بیان<sup>۲</sup> هستند ضروری است موارد مربوط به هر کدام را به صورت دقیق و کامل بیان کند و الا تأخیر بیان از مقام حاجت<sup>۳</sup> لازم می‌آید. در نتیجه، اسلام در امور ظاهری و ایمان در امور باطنی جریان دارد.

طحاوی (متوفی ۳۲۱ق) نیز می‌نویسد: ایمان، اقرار به زبان و تصدیق با قلب است.<sup>۴</sup> اشعری (متوفی ۳۲۴ق) را می‌توان در این گروه نام برد. ابن فورک می‌گوید: اشعری معتقد است که ایمان، همان تصدیق قلبی است.<sup>۵</sup> بدیهی است به پیروی از اشعری، عده بسیاری از علمای اهل سنت همین نظریه را اختیار کرده‌اند که در ادامه، نظر برخی از آنان مطرح می‌شود.

ابومنصور ماتریدی (متوفی ۳۳۳ق) نیز این دیدگاه را ارائه داده است. او می‌گوید: آنچه

۱. نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، کتاب الایمان، باب معرفة الایمان و الاسلام و القدر و علامة الساعة، ج ۱، ص ۳۶، ح ۱.
۲. مقام بیان به این معنا است که متکلم، قصد هزل، اهمال و اجمال‌گویی نداشته و غافل نیست. مقام بیان بر دو شکل متصور است:  
الف. متکلم در صدد بیان اصل حکم یا تشریح حکم است و قصد بیان خصوصیات آن را ندارد. در این صورت، نمی‌توان به اطلاق کلام متکلم احتجاج کرد.  
ب. متکلم در مقام بیان جزئیات و خصوصیات حکم برای عمل کردن مکلفین است. در این صورت، می‌توان به اطلاق کلام او احتجاج کرد.
- (نک: مشکینی اردبیلی، علی، اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها، ص ۲۴۸؛ نک: ملکی اصفهانی، مجتبی، فرهنگ اصطلاحات اصول، ج ۲، ص ۱۶۱).
۳. مقام حاجت به این معنا است که حکم به صورت مجمل بیان شود و تا زمان عمل به آن اجمال یا ابهام آن مرتفع نشود. (نک: همان، ج ۱، ص ۱۹۳؛ نک: علم‌الهدی، علی بن حسین، الذریعة إلى أصول الشریعة، ج ۱، ص ۳۶۱).
۴. الطحاوی، ابوجعفر، العقیة الطحاویة، ص ۲۱، ش ۸۳.
۵. بن فورک، محمد بن الحسن، مقالات الشیخ ابی الحسن الاشعری، ص ۱۵۳.

از کتاب و سنت ثابت شده، این است که ایمان، همان تصدیق است.<sup>۱</sup> در دنیای کنونی هند، بنگلادش، پاکستان، افغانستان و ترکیه، عموم اهل سنت، طرفدار و پیرو اندیشه ماتریدی هستند.<sup>۲</sup> تمامی این افراد، اتفاق نظر دارند که ماهیت ایمان، تصدیق می‌باشد و عمل خارج از ماهیت ایمان است.<sup>۳</sup> ابوبکر باقلانی (متوفی ۴۰۲ ق) یکی از علمای اشعری است که همانند ابوالحسن اشعری می‌اندیشد. از نظر او ایمان صرف تصدیق قلبی است به اینکه خدا واحد، فرد، صمد، قدیم، خالق، عالم و شبیهی ندارد.<sup>۴</sup>

تفتازانی (متوفی ۷۹۳ ق) یکی دیگر از پیروان اشعری است. او هم عمل را خارج از مفهوم ایمان می‌داند.<sup>۵</sup> همچنین فخر رازی و غزالی از دیگر پیروان اشعری هستند که عمل را در مفهوم ایمان داخل نمی‌دانند.<sup>۶</sup> عمر نسفی (متوفی ۵۳۷ ق) در تعریف ایمان می‌نویسد: «ایمان، عبارت است از تصدیق و اقرار به آنچه از جانب خداوند متعال آمده است.»<sup>۷</sup> سهارنبوری در این باره ادعای اتفاق نظر میان علما می‌کند. وی می‌نویسد: «در میان علمای حدیث و فقها و متکلمین از اهل سنت، اتفاق نظر وجود دارد که عمل در ایمان داخل نیست و تنها شرط کمال ایمان محسوب می‌شود.<sup>۸</sup> وی در ادامه مراد سلف از عمل را شرط کمال می‌داند.»<sup>۹</sup>

## ذکر یک نکته

در علم منطق، ثابت شده است که تعریف باید جامع افراد و مانع اغیار باشد و این قاعده،

۱. ابومنصور ماتریدی، محمد بن محمد بن محمود، التوحید، ص ۳۳۲.

۲. فرمانیان، مهدی، مجموعه مقالات فرق تسنن، ص ۵۱۵.

۳. جلالی، سید لطف‌الله، تاریخ و عقاید ماتریدیه، ص ۱۷۱-۱۶۹-۱۶۸. نک: احمدی، محمدجواد، پایان‌نامه رابطه ایمان و عمل از دیدگاه متکلمین امامیه و ماتریدیه تا قرن پنجم.

۴. باقلانی، ابی‌بکر، الانصاف فیما یجب اعتقاده و لا یجوز الجهل به، ص ۴۸.

۵. تفتازانی، سعدالدین، شرح المقاصد، ج ۳، ص ۴۲۳.

۶. نک: رضوی طوسی، سید مجتبی، ایمان در قرآن کریم مفهوم و گونه‌ها، ص ۸۸-۸۷.

۷. تفتازانی، سعدالدین، شرح العقائد النسفیة، ص ۱۴۹.

۸. سهارنبوری، خلیل احمد، بذل المجهود فی حل ابی داوود، ج ۱۸، ص ۲۰۱.

۹. همان، ص ۲۰۴.

مورد اتفاق تمام عقلا است؛ بنابراین، تعاریفی که علمای سلف از ایمان ارائه داده‌اند از این قانون تبعیت کرده و اگر برخی، قیودی را بیان نکرده‌اند که دیگران بیان کرده‌اند یا بالعکس، حاکی از آن است که اختلاف دیدگاه وجود داشته و به این معنا نیست که از قیود غافل بوده‌اند؛ زیرا ذکرکردن یا نکردن هر قید، مواردی را در ایمان داخل یا از آن خارج می‌کند.

با عنایت به مطلب مذکور پی می‌بریم که علما با قصد و فهم، تعاریف را ارائه داده‌اند و پنداشتن اینکه تمامی تعاریف به یک معناست، اشتباه است.

### ماهیت ایمان از دیدگاه وهابیت

در میان وهابیان برای تعریف ایمان، تعابیر متفاوت وجود دارد؛ اما خروجی تعاریف یکی است. در این بخش برای جلوگیری از اطاله کلام، تنها کلمات برخی از علمای طراز اول وهابیت، مطرح می‌شود.

### تعریف به نشانه‌های ایمان

عبدالرحمن بن حسن بن محمد بن عبدالوهاب در تعریف ایمان چنین می‌نویسد:

زمانی که اسلام و ایمان در کنار هم استعمال شوند، اسلام به معنای اعمال ظاهری و ایمان به معنای اعمال باطنی است. زمانی که ایمان به تنهایی استعمال شود، اعمال ظاهری نیز در دایره ایمان داخل می‌شود. چنان‌که در بسیاری از آیات و روایات، اعمال ظاهری جزو ایمان محسوب شده‌اند. بنابراین (حال که اعمال ظاهری و باطنی، ایمان محسوب شدند) نقص در اعمالی که موجب خروج از اسلام نمی‌شود منجر به نقص در ایمان می‌شود؛ مانند زنا و شرب خمر و خیانت در امانت.<sup>۱</sup>

بن‌باز در تعریف ایمان، اصول ایمان را بیان می‌کند و اعتقاد به اصول را ایمان می‌داند. وی چنین بیان می‌دارد:

ایمان، همان دین است و تمام دین، اسلام است. خداوند در آیه ۱۷۷ سوره بقره،

۱. عبدالرحمن بن حسن بن محمد بن عبدالوهاب، الإیمان والرد علی أهل البدع (مطبوع ضمن مجموعة الرسائل والمسائل النجدية لبعض علماء نجد الأعلام، الجزء الثاني)، ص ۳-۴.

اصول ظاهری و باطنی دین را بیان می‌فرماید. این اصول عبارت‌اند از ایمان به الله، ایمان به قیامت، ایمان به ملائکه، ایمان به کتب و ایمان به انبیا. زمانی که اسلام در کنار همدیگر به کار روند، اسلام به امور ظاهری و ایمان به امور باطنی اطلاق می‌شود. ایمان گاهی کامل و گاهی ناقص است. زمانی که واجبات ایمان کامل انجام نشود، ایمان کامل از فرد نفی می‌شود. در برخی از فرموده‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایمان کامل به سبب انجام ندادن برخی اعمال نفی شده است؛ مثل اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که صبر ندارد، ایمان ندارد. مقصود این است که ایمان اقتضای عمل را دارد؛ بنابراین، ایمان کامل اقتضای انجام اوامر خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله و ترک منهیات آنها را دارد. اگر در این انجام یا ترک، قصوری شکل بگیرد، می‌توان ایمان را از آنها نفی کرد؛ همان‌گونه که از اعراب نفی شد و خداوند فرمود: ﴿قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسَلْنَا﴾<sup>۱</sup>

خلاصه اینکه، خداوند سبحان و پیامبر صلی الله علیه و آله از افرادی که برخی از واجبات ایمان را ترک کرده‌اند ایمان را نفی و اسلام را برای آنها ثابت کرده‌اند. اصول مذکور، اصول دین تلقی می‌شود. هر شخصی که این اصول را به همراه اعمال ظاهری انجام دهد؛ مسلمان مؤمن تلقی می‌شود و فردی که این‌گونه نباشد، نه اسلام و نه ایمان برای او ثابت نمی‌شود. مثل منافقین که در ظاهر همراه مسلمین بودند؛ اما در باطن در مقابل آنها قرار می‌گرفتند. افرادی هم که مدعی ایمان به اصول هستند؛ اما اعمال ظاهری را که در دین تشریح شده، انجام نمی‌دهند؛ مثلاً نماز نمی‌خوانند یا حج انجام نمی‌دهند و ... دلیل بر عدم ایمان یا ضعف ایمان است.

برخی اعمال، نقص در آنها موجب خروج از ایمان می‌شود؛ مثل نقص در شهادتین، اما نقص در برخی اعمال موجب نقص در ایمان است و لزوم خروج از ایمان را در پی ندارد؛ مثل انجام ندادن حج با وجود استطاعت.

با توجه به این توضیحات در صورتی که اسلام ثابت نشود، ایمان نیز ثابت نمی‌شود و در صورتی که ایمان ثابت نگردد، اسلام نیز ثابت نمی‌شود.<sup>۲</sup> چنان‌که گذشت، این دسته از

۱. حجرات، ۱۴.

۲. بن باز، عبدالعزیز، أصول الإیمان، ص ۵۷-۵۳، نک: مجموعه فتاوی بن باز، ج ۱، ص ۱۳ به بعد.

وهابی‌ها در تعریف ایمان، نشانه‌های آن را بیان می‌کنند.

### تعریف به ماهیت

برخی دیگر از وهابی‌ها برای بیان ایمان، ماهیت ایمان را بیان داشته‌اند. محمد بن عبدالوهاب، معتقد است ایمان، قول به زبان و عمل با اعضا و اعتقاد قلبی است که با طاعت، زیاد و با معصیت، ناقص می‌شود.<sup>۱</sup>

بن‌باز در تعریفی دیگر از ایمان می‌گوید: «ایمان تصدیق به هر آن چیزی است که خدا و پیامبر ﷺ به آن خبر داده است. تصدیق قولی و عملی و عقیدتی.»<sup>۲</sup>

شیخ صالح بن عبدالعزیز آل‌شیخ، ایمان را متشکل از قول و عقیده و عمل می‌داند.<sup>۳</sup> محمد بن صالح بن عثیمین می‌گوید: «ایمان علاوه بر تصدیق، متضمن معنای زائدی است. آن معنای زائد، عبارت از اقرار و اعتراف است که اقرار و اعتراف، مستلزم قبول اخبار و اذعان به احکام است. این معنای ایمان است؛ اما صرف ایمان به وجود خداوند، ایمان نیست.»<sup>۴</sup> هرچند بن‌عثیمین در این تعریف، اشاره‌ای به جزئیت عمل در مفهوم ایمان نمی‌کند؛ اما در جای دیگر، ایمان را این‌گونه تعریف می‌کند: «ایمان عبارت است از اقرار به قلب و بیان به زبان و عمل به وسیله اعضا بدن.»<sup>۵</sup> صالح بن فوزان می‌نویسد: «ایمان عبارت است از قول، عمل و اعتقاد. با طاعت الهی، زیاد و با معصیت، ناقص می‌شود.»<sup>۶</sup>

عبدالله بن جبرین نیز ایمان را همانند صالح بن فوزان تعریف می‌کند.<sup>۷</sup> با توجه به تعاریف مذکور به این نتیجه می‌رسیم که مفهوم ایمان از دیدگاه وهابیت، اعتقاد قلبی، بیان زبانی و عمل خارجی است.

۱. ابن‌عبدالوهاب، محمد، أصول الإیمان، ص ۱۵.

۲. بن‌باز، عبدالعزیز، مجموع فتاوی‌ العلامة عبدالعزیز بن‌باز، ج ۲۸، ص ۱۵۱.

۳. آل‌الشیخ، صالح بن عبدالعزیز، إتحاف السائل بما فی الطحاویة من مسائل، ص ۸۸.

۴. بن‌عثیمین، محمد بن صالح، شرح العقیدة الواسطیة، ج ۱، ص ۵۴.

۵. بن‌عثیمین، محمد بن صالح، مجموع فتاوی‌ ورسائل ابن‌عثیمین، ج ۱، ص ۴۹.

۶. صالح بن فوزان، مجموع فتاوی‌ صالح الفوزان، ج ۱، ص ۱۲؛ نک: اسئلہ و أجوبہ فی مسائل الکفر و الإیمان، ص ۲-۳.

۷. نک: بن‌جبرین، عبدالله بن عبدالرحمن بن عبدالله، اعتقاد أهل السنة، درس ۹، ص ۳.

## نقد دیدگاه وهابیت در مفهوم ایمان

همان طور که گذشت، وهابیت معتقد است عمل، جزو ایمان است. در قسمت حاضر به تحلیل این موضوع پرداخته می‌شود. وهابیت باید پاسخ دهد که آیا عمل، رکن ایمان است یا شرط ایمان. اگر رکن باشد، بدان معناست که به محض ترک عمل، شخص از ایمان خارج می‌شود. چنانچه شرط باشد، شرط، کمال ایمان است یا شرط صحت ایمان محسوب می‌شود؟ برای فهمیدن نظر وهابی‌ها نظریات آنها در ادامه مطرح می‌شود. از آنجایی که منشأ تعریف وهابیت فهم ناصحیح روایات است در تفسیر آن دچار تشتت آرا شده‌اند. می‌توان تعابیر وهابیان را در سه دسته جای داد؛ لکن شرط صحت و رکنیت بازگشت به یک نقطه دارند.

### شرط صحت

بن باز از افرادی است که برخی اعمال را شرط صحت ایمان می‌داند. او در جواب اینکه اعمال، شرط صحت هستند یا شرط کمال؟ چنین می‌گوید: «اعمال دو نوع هستند. برخی شرط صحت ایمان محسوب می‌شوند؛ مثل نماز، خوف و رجاء و برخی دیگر شرط کمال محسوب می‌شوند.»<sup>۱</sup> او در یکی دیگر از کتاب‌هایش، روزه ماه مبارک رمضان، زکات و حج را از اعمالی که شرط کمال ایمان هستند، می‌شمارد.<sup>۲</sup>

سؤالی که در اینجا پیش می‌آید این است: آیا این نظریه با حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که فرمودند: اسلام بر پنج پایه استوار شده است: شهادت بر وحدانیت خداوند و رسالت، اقامه نماز، پرداخت زکات، حج و روزه ماه مبارک رمضان،<sup>۳</sup> سازگاری دارد؟<sup>۴</sup> شیخ

۱. بن باز، عبدالعزیز، مسائل الإمام ابن باز، ص ۴۷.

۲. بن باز، عبدالعزیز، أصول الإيمان، ص ۵۶.

۳. بخاری، محمد، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۱، ح ۸.

۴. «إذا ذكرت هذه الأمور الثلاثة مجتمعة كان لكل واحد منها معنى خاص، فيقصد بالإسلام الأعمال الظاهرة ويقصد بالإيمان الأمور الغيبية. ويقصد بالإحسان أعلى درجات الدين وإذا انفرد الإسلام دخل فيه الإيمان وإذا انفرد الإسلام دخل فيه الإحسان وإذا انفرد الإحسان دخل فيه الإسلام والإيمان.» ناسازگاری از این جهت است که از ظاهر حدیث به دست می‌آید، اعمال مذکور شرط صحت برای ایمان است، نه شرط کمال، در حالی که بن باز این اعمال را از شروط کمال ایمان شمرده است. علاوه بر بیان مذکور، وهابی‌ها قائل‌اند زمانی که اسلام و ایمان به صورت جداگانه استعمال می‌شوند به یک معنا هستند و تفاوتی میان آن دو وجود ندارد. در این حدیث نیز «اسلام» به تنهایی استعمال شده است و طبق نظریه فوق باید

ناصرالعقل یکی دیگر از افراد این دسته است. او معتقد است که اعمال به صورت کلی، شرط صحت ایمان هستند؛ اما اگر به صورت تکی به آنها نگاه داشته باشیم، شرط کمال ایمان می‌باشند.<sup>۱</sup> وی به پیروی از سلفش نماز را شرط صحت ایمان می‌داند.

عبدالعزیز بن عبدالله بن عبدالرحمن الراجحی در پاسخ به این سؤال که عمل، رکن ایمان است یا شرط کمال آن؟ این‌گونه پاسخ می‌دهد: «نگویید اعمال شرط کمال ایمان یا خارج از ایمان یا از لوازم ایمان و مقتضیات ایمان است؛ تمامی این اقوال، متعلق به مرجئه است.»<sup>۲</sup> درحقیقت او با چسباندن مارک مرجئه به دنبال فرار از پاسخ‌دادن به این پرسش می‌باشد؛ درحالی‌که اگر این نظریه صحیح باشد، باید برای آن از قرآن و روایات، شاهد ذکر کند.

### رکن بودن اعمال در مفهوم ایمان

از افراد صاحب نظری که می‌توان در این بخش نام آورد، صالح بن عبدالعزیز آل شیخ، بن عثیمین و صالح الفوزان هستند.

بن عثیمین در پاسخ کسی که می‌پرسد آیا عمل شرط صحت در ایمان است یا خیر، می‌گوید: برخی از اعمال، شرط برای ایمان (داشتن) است؛ اما برخی از اعمال، شرط کمال ایمان هستند. به‌عنوان نمونه، نماز شرط برای ایمان است و شرط کمال ایمان نمی‌باشد؛ پس کسی که تارک نماز باشد، دچار کفری شده که از دایره اسلام خارج می‌باشد.<sup>۳</sup>

شیخ صالح بن عبدالعزیز آل شیخ در پاسخ اینکه آیا عمل شرط کمال ایمان یا شرط صحت است، چنین توضیح می‌دهد:

برای ایمان، حقیقتی است و حقیقت ایمان ارکان است نه شروط. شرط بر مشروط مقدم می‌شود؛ اما ارکان چیزی است که شیء بر آن استوار می‌شود؛ بنابراین اگر

معنای ایمان را نیز افاده کند. (نک: نخبة من العلماء، أصول الإيمان في ضوء الكتاب والسنة، ص ۲۶۳).

۱. العقل، ناصر بن عبد الكريم العلي، مجمل أصول أهل السنة، ج ۲، ص ۲۵.

۲. عبدالعزیز بن عبدالله بن عبدالرحمن الراجحی، أسئلة وأجوبة في الإيمان والكفر، ص ۴.

۳. بن عثیمین، محمد بن صالح، لقاء الباب المفتوح، ۱۹۲/۲۴.



رکن نباشد؛ ایمان محقق نمی‌شود. قول، عمل و اعتقاد، رکن ایمان هستند نه شرط برای ایمان؛ زیرا شرط خارج از مسمای شیء است؛ اما این موارد (قول و عمل و اعتقاد) خارج از مسمای ایمان نیستند.<sup>۱</sup>

بن فوزان در پاسخ این پرسش می‌گوید:

کسی که این سؤال را می‌پرسد (عمل شرط صحت است یا شرط کمال ایمان؟) ناشی از این است که حقیقت ایمان را نفهمیده است و مسائل عقیدتی را از مصادر اصلی کسب نکرده است. عمل و ایمان، متلازم با یکدیگرند، ایمان، بدون عمل ممکن نیست و عمل بدون ایمان امکان ندارد.<sup>۲</sup> به بیان دیگر او می‌گوید، نبودن عمل، مساوی با نبودن ایمان است.

### شرط کمال

البانی را می‌توان سردمدار این گروه در میان وهابیان دانست. او به پیروری از ابو عبدالله زبیری شافعی (متوفی ۳۱۸ق)<sup>۳</sup> معتقد است که اعمال در مسئله ایمان شرط کمال هستند نه شرط صحت. بدیهی است که طرفداران البانی نیز همین نظریه را اختیار می‌کنند که در این قسمت برای جلوگیری از اطاله کلام، تنها به بیان نظر البانی اکتفا می‌شود.

او در این باره می‌نویسد:

برخلاف خوارج و معتزله، نزد اهل سنت و جماعت، تمامی اعمال صالح (حتی نماز) شرط کمال ایمان محسوب می‌شود. وی دو دلیل برای سخن خود بیان می‌کند. نخست آنکه اگر قائل شویم تارک عمل مخلّد (بدون ایمان) در جهنم می‌شود؛ همان نظریه خوارج را ارائه کرده‌ایم. دوم آنکه این دیدگاه، مخالف با احادیث شفاعت است.<sup>۴</sup>

چنان‌که مشخص است در میان خود وهابیت در این مسئله، اختلاف بسیار است که اختلافات عمیق و بااهمیتی است. چنان‌که بیان شد، تعابیری که در این مسئله وجود دارد به سه دسته تقسیم می‌شود؛ لکن بیان شد که شرط صحت و رکنیت بازگشت به یک حقیقت دارند؛ در این نوشتار از آنها به یک دسته (دسته اول) و از گروهی که اعمال را

۱. آل‌الشیخ، صالح بن عبدالعزیز، إتحاف السائل بما فی الطحاویة من مسائل، ص ۶۰۳.

۲. ابن فوزان، صالح، أسئلة وأجوبة فی مسائل الإیمان والکفر، ص ۳.

۳. نک: آل‌حمدان، عادل بن عبدالله، الجامع فی عقائد و رسائل اهل السنة و الاثر، ص ۷۴۸.

۴. البانی، محمد، حکم تارک الصلاة، ص ۴۱.

شرط کمال ایمان می‌دانند به گروه دوم تعبیر می‌شود.

دسته اول، به صراحت، گروه دوم را تکفیر می‌کنند؛ زیرا آنها قائل اند چنانچه عملی که شرط صحت برای ایمان است، در کارنامه فرد نباشد، ایمان هم نیست؛ اما طیف دوم، نبودن عمل را مساوی با نبودن ایمان نمی‌دانند؛ لذا از نظر آنها می‌شود فردی عمل نداشته باشد؛ اما ایمان داشته باشد. صالح الفوزان معتقد است کسی که عمل را رکن ایمان نداند، مسئله ایمان را به نحو صحیح نفهمیده است. درحقیقت او معتقد است، امثال البانی این مسئله را نفهمیده‌اند و در مسائل عقیدتی به مصادر اصلی، مراجعه نکرده‌اند. به هر ترتیب، وهابیت باید پاسخ دهد که عمل در ایمان چه نقشی دارد؟ آیا شرط کمال یا شرط صحت و رکن ایمان است؟ چنانچه بگویند در میان سلف، اختلاف بوده است؛ پس پذیرفته‌اند کسانی که عمل را شرط کمال در ایمان می‌دانند، گمراه نیستند و آنها نیز به سلف اقتدا کرده‌اند و نمی‌توان به محض اینکه فردی عمل را خارج از ایمان دانست، جزو مرجئه معرفی کرد.

### نتیجه‌گیری

مفهوم ایمان از دیدگاه سلف و وهابیت بررسی و روشن شد، میان سلف و وهابیت اختلاف وجود دارد. همچنین نتایج دیگری از این نوشتار به دست آمد از جمله:

۱. در میان سلف درباره مفهوم ایمان، دو دیدگاه مختلف وجود دارد. عده‌ای ایمان را قول، اعتقاد و عمل می‌دانند؛ اما طیف وسیعی از سلف و دانشمندان خلف، ایمان را اقرار و تصدیق می‌دانند. آنان عمل را جزو ایمان قرار نداده‌اند.
  ۲. جمهور وهابیت در مفهوم ایمان یک تعریف را ارائه می‌دهند که عبارت از قول، اعتقاد و عمل است.
  ۳. میان وهابیان در تفسیر مفهوم ایمان، اختلاف شدیدی وجود دارد. علمای وهابی در این موضوع دو گروه هستند:
- الف. عمل، شرط کمال ایمان است.
- ج. عمل، رکن و شرط صحت ایمان محسوب می‌شود.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی العز، محمد، شرح العقيدة الطحاوية، تحقيق: احمد شاکر، عربستان: وزارة الشؤون الاسلامية و الاوقاف و الدعوة و الارشاد، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۳. ابن ابی شيبه، ابوبکر، کتاب الايمان، تحقيق: محمد ناصرالدين الباني، بی جا: المكتب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۹۸۳م.
۴. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الاکلیل فی المتشابه و التأویل، مصر: دارالایمان، بی تا.
۵. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الايمان، تحقيق: ناصرالدين الباني، المكتب الاسلامی، اردن: چاپ پنجم، ۱۴۱۶ق.
۶. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، تحقيق: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم، مدینه: مجمع الملك فهد لطباعة و المصحف الشريف، ۱۴۱۶ق.
۷. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، تحقيق: عامر الجزار و أنور الباز، بی جا: دار ابن حزم، چاپ چهارم، ۲۰۱۱م.
۸. ابن رجب حنبلی، عبدالرحمن بن احمد، فضل العلم السلف علی الخلف، بی جا: بی تا.
۹. ابن عبدالوهاب، محمد، اصول الايمان، تحقيق: باسم فيصل الجوابرة، عربستان: وزارة الشؤون الاسلامية و الاوقاف و الدعوة و الارشاد، چاپ پنجم، ۱۴۲۰ق.
۱۰. ابن قیم، جوزیه، محمد بن ابی بکر، إعلام الموقعین عن رب العالمین، تحقيق: محمد عبدالسلام إبراهيم، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۱۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۱۲. ابوالأشبال حسن الزهیری آل مندوه المنصوری المصری، شرح اصول اعتقاد اهل السنة للالکائی، مصدر الكتاب: دروس صوتیة قام بتفريغها موقع الشبكة الاسلامية، <http://www.islamweb.net>
۱۳. ابوالبقاء الحنفی، ایوب بن موسی الحسینی القریمی الکفوی، الکلیات معجم فی المصطلحات والفروق اللغویة، تحقيق: عدنان درویش؛ محمد المصری، بیروت: مؤسسة الرسالة، بی تا.
۱۴. ابوالحسن اشعری، الإبانة عن أصول الديانة، تحقيق: فوکیة حسین محمود، قاهره: دار الأنصار، چاپ اول، ۱۳۹۷ق.
۱۵. ابوبکر خلال، السنة، تحقيق: عطیة الزهرانی، ریاض: دارالرایة، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۱۶. ابوحنیفه، نعمان بن ثابت، الفقه الاکبر، امارات: مكتبة الفرقان، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۱۷. ابومنصور، محمد بن محمد بن محمود، التوحيد، تحقيق: فتح الله خلیف، اسکندریه: دارالجامعات

- المصريه، بی تا.
۱۸. أجرى، محمد، **الشريعة**، تحقيق: عبدالله الدميجى، رياض: دارالوطن، چاپ دوم، ۱۴۲۰ق.
۱۹. آل الشيخ، صالح بن عبدالعزيز، **إتحاف السائل بما في الطحاوية من مسائل**، بی جا: بی تا.
۲۰. آل حمدان، عادل بن عبدالله، **الجامع فى عقائد و رسائل اهل السنة و الاثر**، رياض: دار المنهج الاول للنشر، چاپ اول، ۲۰۱۵م.
۲۱. باقلانى، ابى بكر، **الانصاف فيما يجب اعتقاده و لا يجوز الجهل به**، تحقيق: العطار الحسينى، بی جا: بی تا، ۱۹۵۰م.
۲۲. البانى، محمد، ناصرالدين، **حكم تارك الصلاة**، رياض: دار الجلالين، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۲۳. بخارى، محمد، **صحيح بخارى**، تحقيق: محمد زهير بن ناصر، بی جا: دار طوق النجاة، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۲۴. بدرالدين، العينى، ابومحمد محمود بن احمد بن موسى بن احمد بن حسين الغيتابى الحنفى، **البنية شرح الهداية**، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۲۵. بن فورک، محمد بن الحسن، **مقالات الشيخ ابى الحسن الاشعري**، تحقيق: احمد عبدالرحيم السايح، قاهره: مكتبة الثقافة الدينية، چاپ پنجم، ۲۰۰۵م.
۲۶. بن باز، عبدالعزيز، **اصول الايمان**، مدينه: الجامعة الاسلاميه، ۱۳۹۹ق.
۲۷. بن باز، عبدالعزيز، **مجموع فتاوى العلامة عبدالعزيز بن باز**، تحقيق: محمد بن سعد الشويعر، بی جا: بی تا، بی تا.
۲۸. بن باز، عبدالعزيز، **مسائل الإمام ابن باز**، تحقيق: الشيخ أبى محمد عبدالله بن مانع، رياض: دار التدمرية، چاپ اول، ۱۴۲۸ق.
۲۹. بن جبرين، عبدالله بن عبدالرحمن، **اعتقاد اهل السنة**، مصدر الكتاب: دروس صوتيه قام بتفريغها موقع الشبكة الاسلاميه، <http://www.islamweb.net>.
۳۰. بن عثيمين، محمد بن صالح، **شرح العقيدة الواسطية**، تحقيق: سعد فوزان الصميل، رياض: دار ابن الجوزى، چاپ ششم، ۱۴۲۱ق.
۳۱. بن عثيمين، محمد بن صالح، **مجموع فتاوى و رسائل ابن عثيمين**، تحقيق: فهد بن ناصر بن ابراهيم السليمان، بيجا: دارالوطن؛ دارالثريا، ۱۴۱۳ق.
۳۲. بن عثيمين، محمد بن صالح بن محمد، **لقاء الباب المفتوح**، مصدر الكتاب: دروس صوتيه قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية <http://www.islamweb.net>.
۳۳. بيجورى، ابراهيم بن محمد، **تحفة المرید على جوهره التوحيد**، تحقيق: على جمعة محمد

- الشافعي، بی‌جا: دارالسلام، چاپ اول، ۲۰۰۲م.
۳۴. تفتازانی، سعدالدين، **شرح العقائد النسفية**، همراه با تعليقات عبدالسلام بن عبدالهادي شنار، بی‌جا: مكتبة دارالدقاق، چاپ اول، ۲۰۰۷م.
۳۵. تفتازانی، سعدالدين، **شرح المقاصد**، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ دوم، ۲۰۱۱م.
۳۶. تهانوی، احمد، **قواعد في علوم الحديث**، تعليق: عبدالفتاح ابو غده، بيروت: مكتب المطبوعات الاسلامية، ۲۰۰۷م.
۳۷. جلالی، سيد لطف‌الله، **تاريخ و عقايد ماتريديه**، قم: انتشارات دانشگاه اديان و مذاهب، چاپ دوم، ۱۳۹۰ش.
۳۸. جوهری، اسماعيل بن حماد، **الصحيح تاج اللغة وصحاح العربية**، تحقيق: أحمد عبد الغفور عطار، بيروت: دار العلم للملايين، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۳۹. الحميدى، عبدالله بن الزبير، **اصول السنة**، تحقيق: عبدالله بن يوسف الجديع، بی‌جا: ابو مهند النجدي، بی‌تا.
۴۰. الخميس، محمد بن عبدالرحمن، **حوار مع الاشعري**، رياض: مكتبة المعارف، چاپ اول، ۲۰۰۵م.
۴۱. دمشقى، محمد منير، **نموذج من الأعمال الخيرية في إدارة الطباعة المنيرية**، رياض: مكتبة الامام الشافعي، چاپ دوم، ۱۹۸۸م.
۴۲. الديقى، عبدالله بن عمر، **فهم السلف الصالح للنصوص الشرعية**، بی‌جا: مركز البحوث والدراسات البيان، بی‌تا.
۴۳. ذهبى، شمس‌الدين، **سيرة اعلام النبلاء**، قاهره: دار الحديث، ۲۰۰۶م.
۴۴. راغب اصفهانی، حسين بن محمد، **المفردات في غريب القرآن**، تحقيق: صفوان عدنان الداودي، دمشق وبيروت: دار القلم والدار الشامية، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۴۵. رضوى طوسى، سيد مجتبى، **ايمان در قرآن كريم مفهوم و گونه‌ها**، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول، ۱۳۹۰ش.
۴۶. زيبدى، محمد بن محمد، **تاج العروس من جواهر القاموس**، تحقيق: مجموعة من المحققين، بی‌جا: دار الهداية، بی‌تا.
۴۷. سهارنپورى، خليل احمد، **بذل المجهود في حل ابى داوود**، همراه با تعليقات محمد زكريا بن يحيى الكاندهلوى، بيروت: دارالكتب العلمية، بی‌تا.
۴۸. سيوطى، جلال الدين، **تبيين الصحيفه بمناب ابى حنيفة**، تحقيق: محمود محمد محمود حسن نصار، بی‌جا: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۹۹۰م.

٤٩. شيبانى، ابن حنبل، احمد، **اصول السنة**، عربستان: دارالمنار، چاپ اول، ١٤١١ق.
٥٠. شيبانى، ابن حنبل، **مسند**، تحقيق: شعيب الأرنؤوط وعادل مرشد و ديگران، بی جا: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ١٤٢١ق.
٥١. الصابونى، احمد بن محمد بن ابى بكر، **الكفاية فى الهداية**، تحقيق: محمد أروتشى، بيروت: دار ابن حزم، چاپ اول، ٢٠١٤م.
٥٢. ابن فوزان، صالح، **اسئلة و اجوبة فى مسائل الكفر و الايمان**، بی جا: بی نا، بی تا.
٥٣. ابن فوزان، صالح، **مجموع فتاوى صالح الفوزان**، تحقيق: حمود بن عبدالله المطر؛ عبدالكريم بن صالح المقرن، رياض: دار ابن خزيمة، چاپ اول، ٢٠٣٣م.
٥٤. الطحاوى، ابو جعفر، **العقيدة الطحاوية**، بيروت: دار ابن حزم، چاپ اول، ١٩٩٥م.
٥٥. ابن عبد الوهاب، عبدالرحمن بن حسن بن محمد، **الايمان و الرد على اهل البدع (مطبوع ضمن مجموعة الرسائل و المسائل التجديية لبعض علماء نجد الأعلام، جزء الثانى)**، رياض: دارالعاصمة، چاپ دوم، ١٤١٢ق.
٥٦. الراجحى، عبدالعزيز بن عبدالله بن عبدالرحمن، **أسئلة وأجوبة في الإيمان والكفر**، عربستان: الكتاب منشور على موقع وزارة الأوقاف السعودية بدون بيانات، بی تا.
٥٧. العدنى، محمد بن يحيى ابن ابى عمر، **كتاب الايمان**، تحقيق: حمد بن حمدى الجابرى الحربى، كويت: الدارالسلفية، چاپ اول، ١٩٨٦م.
٥٨. العقل، ناصر بن عبدالكريم العلى، **مجمل أصول أهل السنة**، مصدر الكتاب: دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية <http://www.islamweb.net>.
٥٩. علم الهدى، على بن حسين، **الذريعة الى اصول الشريعة**، تهران: نشر دانشگاه تهران، ١٣٧٦ش.
٦٠. محمود، على عبدالحليم، **السلفية و دعوة الشيخ محمد بن عبد الوهاب**، بی جا: شركة مكنتات عكاظ، چاپ اول، ١٩٨١م.
٦١. غزالى، ابى حامد، **الجام العوام عن علم الكلام**، بيروت: دار المنهاج، چاپ اول، ٢٠١٧م.
٦٢. فرمانيان، مهدى، **مجموعه مقالات فرق تسنن**، قم: نشر اديان، چاپ سوم، ١٣٨٨ش.
٦٣. كشميرى، محمد انور شاه، **فيض البارى على صحيح البخارى**، تحقيق: محمد بدر عالم الميرتهى، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤٢٦ق.
٦٤. لالكائى، هبة الله، **شرح اصول اعتقاد اهل السنة و الجماعة**، تحقيق: نشأت بن كمال المصرى، مصر: مكتب دارالبصيرة، بی تا.
٦٥. مزى، يوسف بن عبدالرحمن، **تهذيب الكمال فى أسماء الرجال**، تحقيق: بشار عواد معروف،

- بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۰۰ق.
۶۶. مشکینی، علی، اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها. قم: نشر الهادی، چاپ ششم، ۱۳۷۴ش.
۶۷. ملکی اصفهانی، مجتبی، فرهنگ اصطلاحات اصول. قم: نشر عالمه، چاپ اول، ۱۳۷۹ش.
۶۸. نخبة من العلماء، کتاب أصول الإيمان في ضوء الكتاب والسنة، عربستان: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۶۹. نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، تحقیق: محمدفؤاد عبدالباقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۷۰. وصیة الامام الاعظم ابی حنیفة، تحقیق: جمیل عبدالله عویضه، بی جا: بی نا، ۲۰۰۹م.
۷۱. هیتمی، ابن حجر، الخیرات الحسان فی مناقب الامام الاعظم ابی حنیفه النعمان، سوریه: دار الهدی و الرشاد، چاپ اول، ۲۰۰۷م.

